



« حتی وقتی پسرش فوت کرد، یک جلسه هم کلاسش را لغو نکرد

راضیه محسنی می گوید: «دلیل اول، همین حرف ها و صحبت های حاج آقا است. علاوه بر اینکه مطالب به دردی خوری را می گوید، آن ها را خشک و خالی هم بیان نمی کند. با مثال و داستان می آمیزدشان و شیرین ترشان می کند. دلیل دیگرش هم می تواند پاره ای مسائل جانبی باشد؛ مثلاً اگر کسی آزمونش را با موفقیت پشت سر بگذارد، از حاج آقا جایزه می گیرد؛ از انواع و اقسام خوراکی ها گرفته تا پوشاک. خوب، این دست اتفاقات واقعا خوشحال کننده است و جدای از این، ناخودآگاه آن ها را متوجه می کند که حضور و تلاش شان در این جلسات، بارزش است و اهمیت دارد. قبل ترها حتی به اردوی دسته جمعی هم می رفتیم. «البته این، تمام داستان نیست. حاج آقا توحیدی خودش هم حساسی شیفته این فضا و آموخته هایش است. یکی از خانم های جمع هم با تعریف خاطره کوتاهی، مهر تأییدی می شود بر این قضیه: «حاج آقا حتی وقتی که پسرش فوت کرد و عزادار شد، کلاس هایش را یک جلسه هم لغو نکرد. سابق بر این، یک مرتبه به دلیل اینکه کسالت شدیدی داشت، نمی توانست سر کلاس هایش حاضر شود اما یکی دو نفر از شاگردهای قابل قبولش را برای ادامه کلاس ها و پیش گرفتن روند معمول جلسات، مأمور کرده بود و به آن ها دقیقاً کارها و نکته هایی را که باید می گفتند و انجام می دادند، گوشزد کرده بود.»

« عطاری سیار

حالا حدود ۱۰ دقیقه ای از گذشته است. حاج آقا توحیدی دفتر دستکش را می بندد. جلسه امروز هم به پایان رسیده است. جمع، صلواتی می فرستد. عده ای از خانم ها از همان دوسه نفر بغل دستشان خدا حافظی می کنند و بعد راهشان را به سمت در خروجی کج می کنند. عده ای دیگر اما هجوم می آورند به سمت معلمشان. یکی دارد خطاب به او از درد دندان شکایت می کند و دیگری از شانه دردی که امانش را بریده است. این تجربه را خانم دیگری هم داشته است. می شود از اطلاعاتی که دارد با اشتیاق در اختیار خانم دیگری می گذارد، فهمید: «باور کن درد شانه هایم، امانم را بریده بود، بس که کار می کنیم اما یک هفته که از همین داروی گیاهی به شانه هایم مالیدم، دردش کاملاً فروکش کرد.» حاج آقا هم دارد بامتانت تمام به حرف های آن ها گوش می دهد و به وقتش، جوابشان را می دهد. دم دستش یک شیشه حاوی یک عصاره تقریباً سبز رنگ دارد و یک ظرف کوچک؛ از این ظرف های حلواشکری. درش را که باز می کند، عطرش صاف می زند به مغز آدم؛ از همین بوهایی که وقتی داخل عطاری می شوی، به مشامت می رسد.

« کسی نبوده، که از این دارو استفاده کند و نتیجه نگرفته باشد

می گوید سال ها تحقیق کرده تا به یک رمز و فرمول مخصوص به خودش در عصاره گیری از گیاهان دست پیدا کرده است. در همین راستا، زمانی حتی با معاون دانشگاه تهران هم صحبت کرده است. او می گوید: «او اسم یک دکتر و اسم یک کتاب را گفت که در آن نوشته بود همین نعنا بر طرف کننده ۱۰۰ بیماری است. ۱۰۰ بیماری! چیزی که شاید خیلی ها

نمی دانند.» و حالا حساسی از خودش و کارش مطمئن است. این را، هم می شود از لبخندهای گاه به گاه از سر

رضایتش فهمید و هم از تجربه هایی که از سر گذرانده است و تعریفشان می کند. حالا به همان عصاره تقریباً سبزرنگی که در بطری اش وجود دارد، اشاره می کند و می گوید:

«تا به حال کسی نبوده است که از این دارو استفاده کند و نتیجه مطلوب را نگرفته باشد. کسی بود که پادرد و کمردرد داشت و استفاده کرد و خوب شد. کسی بود که تشنج داشت و استفاده کرد و خوب شد. کسی بود که سنگ کلیه داشت و استفاده کرد و دردش خوب شد. «و بادقت و طرافت تمام اضافه می کند: «البته این مورد آخر منظورم فقط دردی است که طرف احساس می کرد. مقصود، باقی ماندن یا نماندن سنگ در کلیه فرد نیست. برای رسیدن به این مرحله، زمان و تحقیقات بیشتری لازم است.»

« رمز کارم را نمی گویم، مگر اینکه کسی قول مساعدت بدهد

چند سالی می شود که دارد بر پایه طب سنتی رفتار می کند و ظاهر اکی هم ناراضی از نزد او برنگشته است؛ البته انگار دلش هم کمی پر است؛ چون می گوید: «رمز عصاره گیری ام را در اختیار کسی نمی گذارم، مگر اینکه تضمین و قولی وجود داشته باشد که این داروهای گیاهی ثبت شود تا مردم بتوانند از فوایدش استفاده کنند. وقتی جامعه پزشکی می تواند داروهای گیاهی، دوی درد مردم را بدهد، چرا باید این قدر دست روی داروهای شیمیایی بگذارد و مردم تا این حد خودشان را به قرص و شربت ببندند؟ در باره این قضیه حتی در سال ۸۲ به رهبری هم نامه نوشتیم. «خلاصه، هنوز که هنوز است، پیگیر در خواست و مطالبه اش است و اگر نهاد بازرگانی وجود داشته باشد که بتواند او را در کار مدنظرش حمایت کند، او هم به شدت استقبال می کند.»



ساله

س را به این جمع و هدف ما محل برگزاری یک کلاس ام و عقاید اما ۱۷ سال، زمانی لسه ها دیگر جزئی از رسم مردم هفته، خانم های محله را می نشانند ارد، درست مثل یک آیین ماندگار ستمر مانده است. او قبل تر در در حال حاضر هم در پنجتن ل فراگیری بینش اسلامی